

ازدواج موفق و پایدار از دیدگاه اسلام - بخش دوم

گمان نمی‌رود از بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث کرده باشد. ازدواج از نظر اسلام امری مستحب، مورد تأکید و از سنن انبیا(ع) معرفی شده و جوانی که بدان تن دهد، در حقیقت همگام با آفرینش و سعادت‌مند است.



گمان نمی‌رود از بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث کرده باشد. ازدواج از نظر اسلام امری مستحب، مورد تأکید و از سنن انبیا(ع) معرفی شده و جوانی که بدان تن دهد، در حقیقت همگام با آفرینش و سعادت‌مند است.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، در بخش نخست این نوشتار، با تعریف و تشریح ازدواج، ضرورت و فلسفه این امر مهم در اسلام بیان و گفته شد که ازدواج تنها نیاز جوانان نیست، بلکه به طور کلی نیاز اجتماع نیز محسوب می‌شود و اگر جامعه‌ای امنیت و سلامت خود را بخواهد، باید سنت ازدواج در آن برقرار شود. در این بخش به اهداف ازدواج و معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

اهداف ازدواج از دیدگاه اسلام

اسلام در پرتو تشریح ازدواج اهداف و انتظاراتی را تعقیب می‌نماید و از مزدوجین نیز توقع و انتظار دارد تا این اهداف را فراهم آورند. به بیانی دیگر در اسلام افزون بر این که ازدواج به خودی خود می‌تواند هدف قرار بگیرد و به تعبیری مطلوبیت ذاتی دارد، از مطلوبیت غیری نیز برخوردار است و برای رسیدن به اهدافی خاص، مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است. از مردان و زنانی که با هم پیمان همسری می‌بندند می‌خواهد در مسیر این پیمان الهی و آسمانی به این مقاصد و اهداف لباس تحقق ببوشانند.

از دیدگاه اسلام با فراهم آمدن این اهداف، هم زمینه شکوفایی توان نهفته و استعداد بالقوه در نهاد انسان مهیا می‌شود و هم ذخیره‌های گران و سرمایه‌ای بی‌پایان و جاودان مانند تربیت نسل پاک و فرزند صالح به بشریت ارزانی می‌شود؛ لذا اگر ازدواجی به اهداف بیان شده نرسد، یا مسلمانان مزدوج این اهداف را فراهم نیاورند، نه تنها زمینه شکوفایی استعداد به ودیعه نهاده را تباه کرده‌اند، بلکه سرمایه‌ای جاودان را بر باد داده‌اند؛ درحالی‌که اسلام به هیچ یک از این دو خسران رضایت نمی‌دهد.

بر این اساس مشاهده می‌شود، اسلام در شرایط انتخاب همسر، آیین ازدواج و... توصیه‌هایی را ارائه می‌نماید که تمام این دستورات و توصیه‌ها به منظور رسیدن به این اهداف بیان شده‌اند. شدت اهتمام اسلام به رعایت این دستورات و توصیه‌ها، نشانه آن است که اسلام هرگز به از دست دادن این اهداف رضایت نمی‌دهد و نمی‌پسندد که ازدواجی انجام پذیرد، ولی اهدافش تأمین نشود.

تذکر این نکته خالی از فایده نیست که اسلام با بیان اهداف تعریف شده برای ازدواج، مسلمانان را از برخی اهداف نابجا و ناپسند بر حذر می‌دارد و سخت هشدار می‌دهد که مبادا برای رسیدن به اهدافی غیر از آنچه بیان شد یا به غرض نیل به اهدافی که با فلسفه و جایگاه ازدواج در تعارض است، به سراغ ازدواج بروند.

پس اسلام از ازدواج، اولاً اهدافی خاص و معین را تعقیب می‌نماید و برای نیل به اهداف مطلوب در مراحل مختلف انجام ازدواج تدابیری را اندیشیده است و با توجه به شدت اهتمام به این تدابیر و توصیه‌ها، هرگز به از دست دادن این اهداف رضایت نمی‌دهد. ثانیاً، اهداف ناصواب و نابجا را مردود می‌شمرد و مسلمانان را از این گونه ازدواج‌ها که به این نوع اهداف ختم می‌شود، منع می‌کند.

در بررسی متون دین اسلام، اهداف ازدواج به دو دسته تقسیم می‌شوند: اهداف مستقیم و بدون واسطه و اهداف غیرمستقیم و با واسطه. اهداف مستقیم ازدواج که در ذیل آن، اهداف غیر مستقیم قرار دارند، به قرار ذیل است:

از جمله اساسی‌ترین اهداف اسلام از ازدواج، تشکیل خانواده است. اسلام با تعیین این هدف، به مسلمانان این پیام را تفهیم می‌کند که تمام علل و چرایی‌های ازدواج مانند پاسخ به نیازهای روحی، روانی، شناختی و جسمی و حفظ نوع بشر و تولید نسل سالم و پاک و... باید در چهارچوبی تعریف شده و در قالب کانونی به نام خانواده تأمین و فراهم شود.

پس خانواده آن کانون محبت، عاطفه و لطفی است که با ازدواج پی‌ریزی می‌شود و از محبوب‌ترین و عزیزترین کانون‌ها نزد خداوند است که هرگز بنایی با این جایگاه ویژه و رفیع بنا نشده است: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله - عزوجل - و اعز من الترویج.»

اگر ازدواجی انجام پذیرد، ولی به تشکیل این کانون مهر و محبت منتهی نشود و صرفاً عقد و قراری بین دو انسان باشد، چنین ازدواجی شاید از دیدگاه عرفی و حقوقی یک ازدواج صحیح باشد، ولی از دیدگاه اسلام - به ویژه تربیت اسلامی - ازدواجی مطلوب و مورد پسند نیست؛ هر چند به تولید نسل و بر آوردن برخی نیازهای جسمی و... بیانجامد.

با این بیان مشخص می‌شود که چرا این هدف از اولین و اساسی‌ترین اهداف ازدواج است؛ چرا که بدون این هدف، تأمین دیگر اهداف ناممکن است یا به صورت ناقص فراهم می‌شود. اندکی تأمل در این معنا آن را از اثبات بی‌نیاز می‌سازد. واضح است که اسلام به هیچ یک از این دو رضایت نمی‌دهد.

اسلام خانواده را به عنوان یک هدف واسطه‌ای در نظر می‌گیرد تا در پرتو آن به اهداف بعدی خود نایل آید. در واقع از دیدگاه اسلام تنها با تشکیل خانواده می‌توان به اهدافی خاص دست یافت و هیچ مسیری برای رسیدن به آن اهداف، جز از طریق خانواده وجود ندارد. به عنوان مثال، تأمین محبت و مودت، یکی از اهداف اسلام از ازدواج است اما این هدف به صرف ازدواج و تنها از طریق این قرارداد و پیمان به دست نمی‌آید.

از دیدگاه اسلام، محل ارزانی نمودن محبت و مودت، تنها کانون گرم خانواده است. اگر اسلام به محبت فرزندان اهمیت می‌دهد و بوسیدن آنان را موجب رحمت و حسنه می‌شمارد، آن را در کوچه و برزن نمی‌جوید، بلکه در کانون خانواده تعقیب می‌نماید.

در این جا نکته‌ای اجتماعی قابل ذکر است که اگر اسلام به محبت بر ایتام اهتمام دارد و مسلمانان را به آن ترغیب می‌نماید، هرگز آن را جز از طریق خانواده نمی‌طلبد. هر مسلمانی از نظر اخلاقی، موظف است یتیمی را در خانه و خانواده خود تربیت کند و در خانواده به او محبت نماید، نه آن که در خیابان با مشاهده یک یتیم دست ترحم بر سر وی بکشد. بی‌تردید، این شکل یتیم‌نوازی، ضررش بیش از نفع آن است و آن نوازش از صد نیش زبان برای آن یتیم دردناک‌تر است. یتیم‌خانه ساختن، تحفه فرهنگ غیراسلامی است که دامن‌گیر مسلمانان شده است.

چنان که بیان گردید، خانواده خود در پرتو ازدواج تشکیل می‌شود و از جمله اهداف بی‌واسطه ازدواج، تشکیل خانواده است. اما اهداف با واسطه ازدواج به قرار ذیل است:

- محبت و مودت نسبت به همسر و فرزندان

قرآن کریم با انتساب «آرامش و سکون» به ازدواج، آن را هدف مستقیم ازدواج بیان می‌نماید؛ «خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها...» بر طبق این معنا، هدف از ایجاد زوجیت با همسرانی از جنس خود، همانا «آرامش و سکون» است، ولی آن‌گاه که از «مودت و رحمت» به عنوان اهداف بعدی نام می‌برد، آن‌ها را در یک ظرف ارتباطی می‌جوید و لذا با لفظ «بینکم» این هدف را بیان می‌کند. از این شکل بیان می‌توان به دست آورد که «آرامش و سکون» هدف مستقیم و «محبت و مودت» هدف غیرمستقیم ازدواج هستند و در یک شکل ارتباطی خاص، به نام خانواده تعقیب می‌شوند. پس «مودت و محبت» نیز از جمله اهداف ازدواج هستند که در قالب روابط خانوادگی (بینکم) قرار می‌گیرند.

اسلام تنها به نیازهای جسمی انسان‌ها توجه ندارد؛ بلکه به نیازهای روحی، روانی و معنوی انسان‌ها نیز توجه دارد. یکی از این نیازها، نیاز به محبت و مهربانی است. این نیاز را اسلام در خانواده تأمین می‌نماید؛ لذا از جمله اهداف مستقیم ازدواج تشکیل

خانواده و از جمله اهداف با واسطه آن تأمین محبت، مهربانی و مودت همسران و فرزندان نسبت به یکدیگر و دیگران است. این اهداف باید در فضای خانواده فراهم شود. اگر خانواده به بر آوردن این نیاز اقدام نمود، جامعه لبریز محبت می‌شود و هرگز دچار کمبود و کاستی در محبت نخواهد شد و از تمام مفاصل این کاستی در امان خواهد ماند.

– تولید مسلمان کارآمد

در ابتدا لازم به یادآوری است که پرورش نسل پاک و برخوردار از طهارت، هدف مستقیم ازدواج است و برای رسیدن به آن ازدواج تنها راه است تا در پرتو عقدی شرعی، نسلی پاک و سالم تولید شود؛ لذا این هدف جزء اهداف مستقیم ازدواج بیان می‌شود.

اما اسلام تنها به تولید کمی مسلمانان فارغ از فاکتورهای کیفی بسنده نمی‌کند؛ بلکه درصد پرورش انسان‌هایی آگاه و کارآمد است و این هدف همانند اهداف پیشین تنها از رهگذر خانواده به دست می‌آید؛ چرا که عواملی بیش از ازدواج در رسیدن به آن نقش دارند و ازدواج تنها زمینه‌ساز آن است.

بر این اساس مشاهده می‌شود که اسلام برای رسیدن به این هدف، مسئولیت‌های فراوانی را بر عهده خانواده می‌گذارد. بی‌تردید هر مسئولیت سپاری برای رسیدن به هدفی انجام می‌گیرد. در این‌جا نیز این مسئولیت‌ها به منظور نیل به «تولید نسل آگاه و مسلمان کارآمد»، بر عهده خانواده نهاده شده است.

از جمله مسئولیت‌های سپرده شده به خانواده، همانا دانش آموختن، قرآن آموختن، آموزش عقاید، احکام و مقررات دین، حرفه‌آموزی، آموزش آداب و سنن مسلمانی و... است. گرچه امروز برخی از این وظایف را دولت یا نهادهای دیگر اجتماعی بر عهده دارند، ولی این موجب سلب مسئولیت از خانواده نمی‌شود؛ لذا با وجود تعهد این سازمان‌ها و نهادها، در صورت عدم فراهم شدن اهداف فوق، خانواده مسئول شناخته شده و مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد. هم‌چنان که اگر این نهادها آموزش‌های فوق را بر اساس منابع و آموزه‌های اسلام ارائه نکنند، خانواده مسئول خواهد بود. مقصود آن است که این آموزش‌ها به هدف تولید مسلمان آگاه و کارآمد منتهی شود وگرنه ضرورتی برای سنگین ساختن بار مسئولیت خانواده وجود ندارد.

با انجام این مهم، اهداف بعدی همانند: شکوفاسازی استعدادها، ایجاد روحیه تعاون، همکاری، همدلی و همراهی، تأمین سعادت فردی، پرورش حس مسئولیت‌پذیری، رشد و تکامل شخصیت انسانی، هدایت به حق و حقیقت‌طلبی که خود از اهمیت خاصی در دیدگاه اسلام برخوردار است، نیز فراهم می‌شود.

پس اسلام هیچ هدفی را فراموش نکرده و در پرتو خانواده به تمام اهداف خود از ازدواج دست می‌یابد. به این ترتیب و بر این اساس، جایگاه اهداف و ارتباط و تعامل آن‌ها با یکدیگر و تأثیر و تأثر آن‌ها نیز معین می‌شود که اسلام احساس تعهد را در برابر دین، ارزش‌های دینی و انسانی می‌خواهد، همان‌گونه که رشد و تکامل انسان و شکوفاسازی استعدادها، همدلی و تعاون و... را فارغ از تعهد دینی نمی‌جوید. اسلام اهداف خود را از ازدواج، که همان تربیت انسان کامل کارآمد مسلمان است، در خانواده، آن هم در خانواده‌ای بناشده بر پایه تعالیم اسلام می‌طلبد.

2- پرورش نسل سالم و پاک

از جمله اهداف مهم و خطیر اسلام از ازدواج، پرورش نسل سالم و پاک است. اسلام اگر خواهان بنای مدینه فاضله می‌باشد که این‌گونه نیز هست و اگر در اندیشه سعادت جامعه انسانی است که این‌چنین است و اگر... این مهم جز با تربیت انسان‌های سالم و پاک ممکن نمی‌شود. بنابر اندیشه اسلام، هرگز بی‌وجود انسان‌های سالم و پاک، نمی‌توان جامعه پاک بنا نمود و مدینه فاضله پی‌ریزی کرد و جز از رهگذر ازدواج، نمی‌توان به این آمال رسید. تنها ازدواج مطابق با قوانین و شرایط اسلام است که می‌تواند این انتظار را برآورده سازد.

به منظور رسیدن به این هدف، اسلام شرایط خاصی را برای ازدواج در نظر می‌گیرد. این شرایط بسیار متنوع است؛ چرا که به واسطه اهمیت این هدف، اسلام حتی شرایط تغذیه، حالات روحی و... موثر را از نظر دور نداشته است؛ لذا به رعایت برخی امور و اجتناب از برخی عوامل موثر دیگر توصیه می‌نماید. به عنوان نمونه، اسلام از ازدواج با فرد شراب‌خوار و بد اخلاق، کم‌خرد و

احمق نهی می‌نماید. قابل توجه است که در برخی از اسناد اسلامی توصیه شده است که اگر با این افراد تن به ازدواج دادید، از آن‌ها بچه‌دار نشوید. این توصیه از طرف منابع اسلامی نشان می‌دهد که این شرایط حداقل به منظور تولد نسل سالم و پاک مورد نظر اسلام قرار گرفته است. همچنان که در برخی اسناد، به این هدف عالی ازدواج توجه صریح شده و به شرافت خانوادگی به عنوان یک شرط اساسی می‌نگرد و می‌فرمایند: «تزوجوا فی الحبر الصالح، فان العرق دساس؛ با خاندانی صالح ازدواج کنید، زیرا عرق (ژن) دساس و بسیار تأثیرگذار است.»

3- حفظ عفت و حیای فردی و اجتماعی

توجه به صفات برجسته انسانی و زمینه‌سازی به منظور تأمین آن‌ها، از جمله اهداف مهم و خطیری است که اسلام از طرق مختلف در صدد تأمین آن‌ها است. عفت و حیا از جمله این صفات هستند که یکی از راه‌های تأمین این صفات و سجایا، ازدواج است.

اسلام با تشریح و تبلیغ ازدواج، به دو شکل مسیر نیل به این هدف را هموار می‌سازد؛ یکی از این جهت که ازدواج را بهترین و طبیعی‌ترین راه تأمین نیازهای جنسی معرفی می‌کند. اسلام با ابراز این اندیشه نه تنها به ازدواج به عنوان عملی پست نگاه نمی‌کند، بلکه آن را عملی با ارزش، مقدس و شایسته ثواب تلقی می‌نماید و با ارائه این گونه تلقی از ازدواج، مسیر صحیح پاسخ به نیازهای جنسی را معرفی و ترویج می‌کند تا آدمی را از پرتگاه رفتارهای جنسی بی‌ضابطه دور ساخته و به این نوع رفتار او نظم و قانون بخشد و از رهگذر قانونمندسازی رفتارهای جنسی، عفت و حیا را به جامعه بشری ارزانی نماید.

مسیر دومی که اسلام برای رسیدن به هدف عفت عمومی پیش می‌گیرد، همانا تشریح قوانین خاص در محدوده درونی ازدواج است. یعنی اگرچه ازدواج را مسیر نیل به عفت و حیا می‌داند، ولی به گونه‌ای ازدواج را ترویج و تشریح نمی‌کند که خود تهدیدی برای عفت اجتماعی محسوب شود و افراد هرزه در قالب ازدواج به اهداف زشت خود برسند و عفت عمومی را به یغما برند.

در واقع، اسلام با پیش گرفتن مسیر تعادل نه راه ازدواج صحیح را به روی نیازهای بشر بسته است تا به بیراهه رود و عفت را پایمال سازد و نه با نگاه افراطی به ازدواج، خود ازدواج را وسیله‌ای برای بی‌عفتی قانونی دیگران قرار داده است تا در قالب ازدواج به اهداف پلید خود برسند.

4- تأمین آرامش و سکون دل

آرامش بخشیدن به نهاد ناآرام و دل بی‌قرار انسان، نیازمند ارتباط با جنس مخالف است که اسلام آن را با ازدواج برای افراد تأمین می‌نماید. آدمی در مراحل مختلف حیات خود به مرحله‌ای می‌رسد که افزون بر نیازهای جسمی و جنسی، خود را نیازمند ارتباط با جنس مخالف می‌بیند. این نیاز به گونه‌ای است که حتی با ارضای نیاز جنسی هم برطرف نمی‌شود و آدمی حتی در حالی که به تمایلات جنسی او پاسخ قانع داده شده است، باز هم احساس کمبود ارتباطی و هم‌نوایی با جنس مخالف را دارد. این نیاز، در برخی مواقع، آن قدر شدید می‌شود که تمرکز و آرام و قرار را از دل انسان سلب می‌نماید. تنها عاملی که می‌تواند به این انسان بی‌قرار، آرامش بخشد و وی را به ساحل امن سلامتی روحی و روانی مسکن دهد، ازدواج است. اسلام هم یکی از اهداف ازدواج را پاسخ به این نیاز درونی معرفی می‌نماید و تأمین آن را از جمله آیات و نشانه‌های خداوند می‌شمارد: «و من ایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها...؛ از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی را از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار هم آرامش یابید.»

آرامش و سکون، نیاز همیشگی انسان‌ها است. انسان جز در ظرف روانی آرامش و قرار قادر به انجام فعالیت نیست و تنها در این صورت می‌تواند به اهداف خویش برسد و حتی وجود خویش را حفظ نماید. چه روی دیگر سکه آرامش و قرار، اضطراب و آشوب است. دل آشوب‌زده و انسان مبتلا به اضطراب، سلامت خود را در معرض تهدید می‌بیند تا چه رسد که در پی اهداف زندگی خود برآید. آدمی هیچ‌گاه از اضطراب استقبال نکرده و همیشه از آن گریزان است؛ چرا که آن را بزرگ‌ترین تهدید برای خود می‌داند. اسلام با تشریح ازدواج و تأمین آرامش و قرار، بزرگ‌ترین خواسته بشر را به او هدیه داده است. با تأمین «آرامش و سکون»، کلید سلامت روح و روان در اختیار آدمی قرار می‌گیرد و مسیر تکامل و تعالی به روی وی باز می‌شود.

معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام

شرایطی که باید همسر دارا باشد عبارتند از:

1- داشتن ایمان، تقوا و حسن خلق

ایمان و تقوا ملاک اصلی انتخاب همسر است. در سایه ایمان و تقواست که روابط عمیق عاطفی بین زوجین ایجاد می‌شود. نزد چنین همسرانی، زمینه تا حدود زیادی برای پرورش صحیح فرزندان فراهم است و زن و شوهر می‌توانند بر همه مشکلات زندگی، اعم از اقتصادی و روانی، فایق آیند و فرزندان خود را مطابق موازین و برنامه های دینی تربیت کنند.

در این زمینه، رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «زن را برای زیبایی‌اش به همسری مگیر؛ چون ممکن است جمال زن باعث پستی و سقوط اخلاقی‌اش بشود. هم چنین به انگیزه مالش، با او پیوند زناشویی برقرار مکن؛ زیرا مال می‌تواند موجب طغیان او گردد، بلکه به سرمایه دینی‌اش متوجه باش و با زن با ایمان ازدواج کن».

مردی به امام حسن(ع) عرض کرد: دختری دارم، او را به ازدواج چگونه فردی درآورم؟ حضرت فرمودند: «او را به ازدواج مردی با تقوا درآور که اگر دوستش داشته باشد او را گرامی می‌دارد و اگر هم دوستش نداشته باشد، به او ستم نمی‌کند».

دو اصل دین و اخلاق نیک، ملاک‌های اصلی برای شایستگی زن و شوهر است و این اصل چه در دوران جنینی و شیرخوارگی، و چه در سایر مراحل زندگی کودک و تربیت او نقش بسزایی دارد. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «بهترین زنان شما زنی است که وقتی همسرش به او می‌نگرد، شاد و مسرورش گرداند.» مردی در این زمینه با حضرت ابوالحسن(ع) مشورت نمود و عرض کرد: یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده، ولی او اخلاق بدی دارد. حضرت فرمود: «اگر بد خلق است، دختری را به ازدواج او درنیاور».

2- خوب و شایسته بودن

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید، در محضر رسول خدا(ص) بودم. آن حضرت درباره همسر شایسته چنین فرمود: «بهترین همسران شما کسانی هستند که دارای ده خصلت باشند»:

1- برای آمدن فرزندان متعدد آمادگی داشته باشند.

2- مهربان باشند.

3- عفت و پاک دامنی خود را رعایت کنند.

4- در میان بستگان خود عزیز و سربلند باشند.

5- نزد شوهر فروتن باشند.

6- خود را برای شوهر بیارایند و خود را به او بنمایانند.

7- نسبت به نامحرمان خود نگاه‌دار باشند و پوشش خود را حفظ کنند.

8- از شوهر حرف شنوی و اطاعت داشته باشند.

9- در مسائل جنسی، میل شوهر را جلب کنند.

10- در عشق و علاقه به شوهر، افراط نکنند و حد اعتدال را حفظ نمایند.

در جایی دیگر، رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «من سعادة المرء الزوجة الصالحة؛ از سعادت مرد این است که دارای همسری شایسته و خوب باشد.»

3- اصالت خانوادگی

اسلام تأکید دارد که درباره سابقه خانوادگی همسر، تحقیق لازم صورت گیرد و به خصوص مراتب ایمانی و اخلاقی او در نظر گرفته شود و نیز تا حد امکان همسر از خانواده‌ای پاک و عفیف انتخاب گردد. این اصالت خانوادگی در نحوه زندگی جدید و در نسل بعد تأثیر دارد. اگر نطفه، که متأثر از خصایص وراثتی والدین است، ناسالم باشد، دیگر امیدی به اصلاح فرزند نیست. به همین دلیل امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «تزوجوا فی الحجر الصالح، فان العرق دساس؛ با خانواده شایسته ازدواج کنید؛ زیرا رگ‌ها(ژن‌ها) خصایص والدین و اجداد را به نسل بعدی سرایت می‌دهند.»

پیامبر گرامی اسلام(ص) در این مورد به مردم آگاهی می‌دهند و می‌فرمایند: «ایها الناس ایاکم و خضراء الدمن؛ ای مردم بپرهیزید از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله دان‌ها پرورش یافته است»، وقتی توضیح خواستند، مقصودشان را زنان زیبا و خوب رویی دانستند که در محیط فاسد و خانواده بد پرورش یافته‌اند.

4- توجه به کفویت

ازدواج با افراد هم کفو و هم شأن باعث توافق بیش‌تر در زندگی می‌شود؛ زیرا درصد بالایی از اختلافات بین زن و شوهرها در نتیجه نبودن طرفین در یک شأن و طبقه است. کفویت در جنبه های ایمانی، فکری، اقتصادی و... مطرح است، اما تکیه اساسی اسلام در کفویت، بیش‌تر بر مسئله ایمان و اعتقاد است. علت این که پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) را برای همسری دختر خود انتخاب نمودند، همین مسئله بوده است. بعضی روایات، کفویت، را شامل دو چیز دانسته‌اند: یکی عفت ناشی از ایمان و اعتقاد و دیگری تأمین امکانات زندگی.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «الکفو ان یکون عفیفا و عنده یسار؛ کفو(هم‌ردیف در ازدواج) کسی است که عفیف باشد و مالی هم داشته باشد.»

مصدق این فرموده پیامبر گرامی اسلام را که «هر زن مسلمانی، کفو هر مرد مسلمان است»، در ماجرای ازدواج جویبر می‌یابیم؛ جویبر مردی از اهل یمامه، تازه مسلمان شده و به مدینه آمده بود. او مؤمن و مخلص، ولی سیاه پوست و مستمند بود و در مسجد زندگی می‌کرد. روزی پیامبر(ص) به او فرمودند: چرا ازدواج نمی‌کنی؟ جواب داد: چه کسی به من بینوا زن می‌دهد؟ پیامبر(ص) فرمودند: اسلام هر خوار و ذلیلی را عزیز کرده است. برو نزد زیادبن ولید - از اشراف انصار - و دختر او را خواستگاری کن. جویبر فرمایش پیامبر(ص) را به زیاد گفت. زیاد پاسخ داد: ما دخترانمان را به هم ردیفان خود - از انصار - می‌دهیم. پیامبر که ماجرا را متوجه شدند، فرمودند: «ای زیاد، جویبر مؤمن است، هر مؤمنی کفو زن مؤمنه و هر مرد مسلمانی کفو زن مسلمان است» زیاد پس از این فرمایش پیامبر اطاعت کرد و دخترش را با تشریفات، به ازدواج جویبر درآورد.

5- سلامت جسم و روان

عدم سلامت، مانع از ازدواج نیست، ولی در تداوم زندگی مشترک اثر منفی دارد. بر همین اساس علمای اخلاق با استفاده از روایات اسلامی، گفته‌اند: با شش گروه از زنان ازدواج نکنید؛ یک گروه از این‌ها زنان انا نه هستند؛ یعنی بسیار ناله می‌کنند، مریض احوالند و خود را به بیماری می‌زنند.

پیامبر اسلام به مغیره بن شعبه، که دختری را برای همسری خود نامزد کرده بود، فرمود: «پیش از ازدواج، درباره مزایای جسمی دختر مورد نظرت تحقیق کن؛ زیرا این بررسی در ایجاد الفت و محبت و توافق‌های بیش‌تر بین تو و همسرت پس از ازدواج، تأثیر زیادی دارد»، به همین دلیل به مرد اجازه داده شده در انتخاب همسر، برای به دست آوردن اطلاعات بدنی، یک بار به زن نظر بیفکند.

سلامت فکر و اندیشه نیز بر سلامت رفتار و اعتدال در برخوردها، اثر بسزایی دارد؛ زیرا روابط انسانی زوجین تابع شرایط نفسانی و روانی آن‌هاست و با عدم وجود سلامت روان، نمی‌توانند روابط مستحکم خانوادگی را بنیان گذارند.

امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: «از ازدواج با احمق بپرهیزید که هم نشینی با او مایه اندوه و بلاست.»

6- دیگر معیارها

از معیارهای دیگری که در لایه احادیث اسلامی به چشم می‌خورد و پس از موارد مزبور، باید مورد نظر قرار گیرد، عبارت است از: دوشیزگی همسر، نداشتن قرابت و فامیلی نزدیک، زیبایی و... (رسول خدا(ص) فرمودند: «بهترین زنان شما، زنی است که بچه آور، مهربان، پاک دامن، نزد فامیل محترم و در برابر شوهر متواضع باشد، خود را برای شوهر بیاراید، به دیگران بی‌اعتنا و در خلوت، در اختیار همسر خود بوده و مثل برخی از مردان مبتذل نباشد.»

سخن پایانی

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و بالطبع، جامعه و اجتماع است و میزان اندیشه و تدبیر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد. ازدواج دارای آثار و نتایج بسیاری است؛ از جمله: ارضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل، تکمیل و تکامل انسان، آرامش و سکون، پاک دامن و عفاف و نتایج متعدد دیگر. از این رو، اسلام - به عنوان یک مکتب آسمانی - آن را نه تنها کاری محبوب و مقدس دانسته، بلکه جوانان را مؤکداً بدان توصیه کرده است.

هر ازدواجی دارای اهداف خاص خود است، ولی در این میان برخی از اهداف کم‌ارج و کم‌اهمیت و در نتیجه ناپایدارند و نمی‌توانند برای همیشه و یا حتی مدتی دراز خوشبختی زوجین را تضمین کنند. برخی نیز ارجمند، مهم و در نتیجه پایدارند. بنابراین شایسته است ازدواج با توجه به این اهداف در نظر گرفته شود.

ازدواج از این نظر که عاملی برای نجات از آلودگی، موجبی برای نجات از تنهایی و سببی برای بقای نسل است، خودداری از آن همیشه سبب ایجاد بی‌تعادلی، نابهنجاری رفتاری و زمانی هم فساد شخصیت و حتی بیماری جسمی می‌گردد. بنابراین، بهترین و بالاترین نعمت‌ها برای هر زن و مرد از نظر اسلام تشکیل خانواده است.

گمان نمی‌رود از بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث کرده باشد. ازدواج از نظر اسلام امری مستحب، مورد تأکید و از سنن انبیا(ع) معرفی شده و جوانی که بدان تن دهد در حقیقت همگام با آفرینش و سعادت‌مند است.

ازدواج از نظر اسلام پیمان مقدسی است که برقراری آن بر اساس مقررات، آداب و رسوم، تشریفات، سنن و قوانین خاصی صورت می‌گیرد. با توجه به معیارهای دینی و آموزه‌های اسلامی در زمینه ازدواج و فواید آن، این نتیجه به دست می‌آید که ازدواج موجب کسب کمالات معنوی، عفت و پاک دامن، احساس مسئولیت، آرامش و امنیت خاطر، تولید و بقای نسل انسانی، سلامت و امنیت اجتماعی، تقویت و تثبیت صفات جنسی و باعث بروز استعدادها و توانایی‌های بالقوه می‌گردد و همچنین از آموزه‌های دینی و تحقیقات تجربی اندیشمندان می‌توان استفاده کرد که در ازدواج، علاوه بر بلوغ جنسی، بلوغ اجتماعی، عقلی و عاطفی نیز در حدّ قابل قبولی نیاز است و بهترین زمان ازدواج برای دختران و پسران، اوایل جوانی است و این مقطع سنی برای بیشتر افراد که شرایط ازدواج را دارا هستند مناسب است.

کوتاه سخن این که هدف از ازدواج در اسلام به مراتب، بالاتر و مقدس‌تر از آن است که تنها در حد کام جویی جنسی باشد؛ زیرا اگر چنین بود هیچ فرقی میان ازدواج انسان و جفت‌گیری حیوانات نبود و ازدواج مشمول این همه قوانین آسمانی و رهبری

پیامبران و راهنمایان قرار نمی‌گرفت. پس باید در آن اهداف مهم دیگری نیز وجود داشته باشد؛ از جمله: ایجاد، بقا و طهارت نسل، تکمیل و تکامل، مودت و صفا و از همه بالاتر، انجام وظیفه الهی. پیمان ازدواج پیمانی مقدس و الهی است. بدینسان، جز در سایه احکام الهی نمی‌توان آن را فسخ کرد.

ر/9314/704/

تألیف و گردآوری: مریم نوری - صادق اصغری لقمجانی

منابع و مأخذ:

- 1- اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، اعرافی، علیرضا (1376)، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- 2- انتخاب همسر امینی، ابراهیم. (1371)، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ اول.
- 3- تربیت جنسی در سیره نبوی، پورامینی، محمدباقر. (1384). فصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، شماره 8.
- 4- مطلع عشق (گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج‌های جوان)، حاج علی اکبری، محمدجواد (1384)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ پنجم.
- 5- وسائل الشیعه، الحر العاملی، محمد بن حسن (1403)، لبنان، دارالاحیاء التراث لبنان.
- 6- مراحل ازدواج در اسلام، رشید پور، مجید (1376)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- 7- جامع الأخبار، شعیری، تاج‌الدین (1405)، قم، رضی.
- 8- من لا یحضره الفقیه، صدوق، محمدبن علی (1404)، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- 9- مشکلات زنان و دختران مجرد بالای 28 سال در تهران، صمدی، انور. (1383). طرح پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی.
- 10- مکارم الأخلاق، طبرسی، فضل‌بن حسن (1370)، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- 11- سفینه البحار، قمی، شیخ عباس (1403)، دارالتعارف.
- 13- الکافی، کلینی رازی، محمدبن یعقوب (1367)، دارالکتب الاسلامیه.
- 14- بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر (1403)، لبنان، دارالاحیاء التراث.
- 15- ازدواج در اسلام، مشکینی، علی (1366)، احمد جنتی، الهادی.
- 16- تعلیم و تربیت در اسلام، مطهری، مرتضی (1362)، تهران، انتشارات صدرا.
- 17- خانواده ایرانی در هزاره سوم، گرامیان، بهروز. (1387)، هفته نامه ارغوان، سال اول، 23-15. صص، شماره ی 16.
- 18- درآمدی بر مطالعات جمعیتی، لوکاس، دیوید؛ پاول، میر. (1999)، ترجمه: حسین محمودیان. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- 19- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد. (1384)، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات دارالحديث.
- 20- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر (1368)، دارالکتب الاسلامیه.
- 21- بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، مهدوی، محمد صادق. (1377)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- 22- جواهرالکلام، نجفی، محمدحسن (1365)، مکتبه الاسلامیه.
- 23- مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، النوری الطبرسی، الحاج میرزاحسین. (1407 ه. ق)، جلد چهاردهم، قم: مؤسسه نشر آل بیت.